

تصور کنید یک روز صبح که از خواب بیدار می‌شوید، حافظه‌ی خود را از دست داده‌اید و به یاد نمی‌آورید که دیروز چه اتفاقی افتاده است! حتی خود را هم به یاد نمی‌آورید؛ بچه‌های خود را به فراموشی سپرده‌اید، و نمی‌توانید با همسایگان و دیگر افراد، ارتباط برقرار کنید. دیگر سلام و احوال‌پرسی را به خاطر نمی‌آورید و نمی‌توانید بفهمید که دیگران چه می‌گویند. حتی واژه‌هایی از قبیل انتخابات، جنگ و یا فیلم را به خاطر نمی‌آورید تا بفهمید که چه معنایی دارند.

همان‌گونه که فقدان حافظه‌ی شخصی، ما را از درک مفهوم و هویت خویش محروم می‌گرداند، نداشتن حافظه‌ی تاریخی هم، ما را از فهم هویت ملی خود بی‌نصیب می‌گذارد. شناخت هر کشوری ما را توانا می‌کند که سنت‌های ملی، عقاید اجتماعی، ارزش‌ها و اصول سازمانی آن کشور را به خوبی درک کنیم. لذا شناخت تاریخ جهان این توانایی را به ما می‌دهد که دیگر فرهنگ‌ها را از هم بازشناسیم. مضافاً بر این که بدون حافظه‌ی تاریخی، به درک لذت‌بخشی که منبعث از پیوستگی جریانات گذشته‌ی ملت و جهان خود ما است، نایل نخواهیم شد. حافظه‌ی تاریخی ما، با فهم جغرافیا غنی می‌شود و به ما امکان می‌دهد، تا فرهنگ و محیط اطراف جهان و زمان را به خوبی دریابیم.

با ایجاد علاقه در آموزش بچه‌ها می‌توان جرقه‌ی شوق را در آنان پدید آورد و به درک هرچه بهتر آن‌ها پیش رفت؛ آموزش می‌تواند لذت‌بخش باشد؛ هم‌چنان‌که پاداش در قبال سعی و تلاش لذت‌بخش است.



آموزش تاریخ*

صادق علاماتی

پژوهشگر



بچه‌ها در لحظه‌ای از تاریخ به دنیا می‌آیند، در حالی که حافظه‌ی تاریخی ندارند. بدین جهت، گویا خود را در میان ماجرای داستانی می‌یابند که قبلاً شروع شده و اینک آن‌ها خود یکی از شخصیت‌های آن شده‌اند. هم‌چنین بچه‌ها می‌خواهند در تاریخ، جایی داشته باشند. اولین سؤالات تاریخی آن‌ها می‌تواند این باشد که «من از کجا آمده‌ام؟» و «آیا همیشه و مادام‌العمر خواهم بود؟» این دو سؤال دربردارنده‌ی دو مفهوم اساسی تاریخ است. نخست سرگذشت مردم و حوادث و دوم ثبت زمان‌های گذشته؛ بدین دلیل است که آن‌ها از ما سؤال می‌کنند و ما در بهترین موقعیت قرار گرفته‌ایم که به آماده‌سازی بچه‌ها روی آوریم تا به کار مداوم دست یابند و موقعیت خود را در تاریخ باز یابند تا از چگونگی شکل‌گیری جهان آگاهی یابند. بدون آگاهی به تاریخ خود، بچه‌ها بسیاری از آنچه را که می‌شنوند و یا در اطراف خود می‌بینند، درک نمی‌کنند.

نقش پدر و مادرها

والدین می‌توانند در کمک‌رسانی به فرزندان خود مؤثر باشند، تا علاقه به تاریخ در آن‌ها گسترش یابد. و یا برعکس، با گفتن مطالبی مانند: «تاریخ ملال‌آورست»

کلیدواژه‌ها: آموزش تاریخ، داستان در تاریخ، لذت دانستن.



والدین می‌توانند در کمک‌رسانی به فرزندان خود مؤثر باشند، تا علاقه به تاریخ در آن‌ها گسترش یابد

و یا «من هم وقتی به مدرسه می‌رفتم از کلاس تاریخ بیزار بودم.» می‌توانند نگرش آن‌ها را تضعیف کنند. هر چند شما نمی‌توانید فرزند خود را مجبور کنید تا تاریخ را دوست داشته باشد؛ اما می‌توانید او را به دوست داشتن آن تشویق کنید. و گام‌هایی بردارید تا ارزشمندی تاریخ را درک نماید.

برای شروع، می‌توان پاره‌ای از مطالب را مانند «عادت‌ها و مشرب‌های تاریخی» گسترش داد مبنی بر این که تاریخ نه تنها به‌عنوان درسی از درس‌های مدرسه مهم است بلکه در زندگی روزمره مفید فایده هست.

عادت‌ها و مشرب‌های تاریخی می‌تواند تجارب زندگی شما و فرزندتان را پر بار کند. کاربرد پاره‌ای موارد در این رابطه بی‌تأثیر نمی‌تواند باشد:

الف) درباره‌ی رویدادها و شخصیت‌های تاریخی با فرزند خود به مطالعه بپردازید، تا تفاوت‌ها در جهان روشن شود، و مطالب خواننده شده را به بحث بگذارید.

ب) با تماشای برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌های مهم تاریخی را به بحث بگذارید. خالی از لطف نخواهد بود که به کتاب مرجع فیلم رجوع کنید و احیانا تفاوت‌ها میان فیلم و کتاب را مورد بحث قرار دهید.

ج) مجموعه‌ای از سخنان بزرگان و یا

مجموعه‌ای از اسناد به چاپ رسیده را گاهی به همراه فرزند خود بخوانید. همان‌طور که می‌خوانید، مکث کنید و بکوشید مجدداً نکات مهم آن را به زبانی که او بفهمد بازگو نمایید.

د) برای لذت بردن از تاریخ می‌توانید به فرزندتان کمک کنید تا او به روش خودش بیاموزد. تشویق به یادگیری باید روشی برای موفقیت بچه‌ها باشد.

لذت دانستن

لذت بردن یکی از محرک‌های آموزش است. چند نکته را در این راستا نباید نادیده گرفت:

الف) با صحبت کردن با بچه‌ها، اعتماد به نفس آن‌ها را بالا ببرید و تشویق‌شان کنید تا با شما درباره‌ی موضوعی گفت‌وگو کنند؛ مهم نیست که گفت‌وگو درباره‌ی چه موضوعی است. بگذارید او بفهمد که عقایدش برای شما ارزشمند است. مهم این است که این گفت‌وگو تأثیرات زیادی در نحوه‌ی یادگیری و چگونگی آن دارد.

ب) خوب فهمیدن بچه‌ها منجر به سؤالاتی خواهد شد. اگر شما به همه‌ی سؤالات آن‌ها نمی‌توانید پاسخ دهید؛ مهم نیست. به قول بوعلی سینا «همه‌چیز را همگان دانند و همگان از مادر زاده نشده‌اند.» شاید بهترین پاسخ شما این باشد که «سؤال

خوبی است، اما چگونه می‌توانیم پاسخ آن را بیابیم؟! بیابید باهم پاسخ را بیابیم.» شما و شاگردان می‌توانید پاسخ‌هایی را مطرح کنید، و آن‌ها را با کتاب مرجع تطبیق دهید و یا از فردی مطلع بپرسید.

ج) ایجاد فرصت‌های روزانه، بهره‌گیری از دید و بازدید پدر و مادر بزرگ‌ها که داستان‌گوهای خوبی هستند. چه مدرسه‌ای بهتر از آن‌ها؟ چه چیزی در شهر و یا در جهان رخ داده؟ سرگرمی‌های روزانه چه بوده؟ قهرمان‌های آن‌ها چه کسانی هستند؟ درباره‌ی تعطیلات با بچه‌ها صحبت شود و این که چرا تعطیلات مورد توجه‌اند؛ و یا پرچم و سرود ملی، چه معنا و مفهومی برای کشور دارد؟

د) بگذارید بچه‌ها کارشان را آن‌طور که خود می‌خواهند انجام دهند و بفهمند که کارشان ارزشمند است. از آن‌ها بخواهید آن‌چه را که آموخته‌اند، برای شما توضیح دهند.

و اما اصول پایه‌ای مبنی بر این که تاریخ چیست؟ «یکی بود یکی نبود»، مطلع بسیاری از قصه‌های کودکان است که دو مفهوم اصلی تاریخ را در حیطه‌ی خود دارد، یکی سرگذشت مردم و حوادث، و دیگر ثبت زمان‌های گذشته. برای فهم هرچه بهتر این که تاریخ چیست، نظری به هر یک از آن‌ها می‌نماییم.



داستان در تاریخ

در یک زمان رخ داده‌اند و باهم داستانی را در مورد بخش خاصی از گذشته روایت می‌کنند. با نگاهی به رشد اندیشه‌ها در گذر زمان، می‌توانیم بیاموزیم که چگونه و چرا آن اندیشه‌ها تغییر یافته است. می‌توان روابط بین زمان گذشته و زمان حال، و یا زمان آینده و زمان گذشته (که امروز باشد) را در نظر گرفت. زمان حال، نتیجه‌ی گزینش آدم‌هاست از اعتقادی که آن‌ها در زمان گذشته داشته‌اند.

بچه‌ها در مرحله‌ی نخست آموزش تاریخ به دانش اساسی در مورد زمان نیاز دارند. پس ضروری است که با معیار زمان هم‌چون سال، دهه، نسل و قرن آشنا شوند. نیاز به یادگیری دارند تا در مورد **توالی** حوادث فکر کنند، آن‌گاه که حوادثی در بستر زمان به وقوع پیوسته است. نیز ضرورت دارد که درباره‌ی زمان وقوع آن‌ها قادر به پاسخ گفتن باشند.

تمرکز اساسی تاریخ روابط بین **تسلسل** و **تحول** است. لذا مهم است که بچه‌ها تفاوت بین آن‌ها را دریابند. به عنوان مثال، با موج مهاجرت روزافزون در یک‌جا، تغییری در جمعیت آن به‌وجود خواهد آمد. وقتی که گروه مهاجرین جدید وارد جامعه‌ای شدند، بدون شک تفکرات و عقاید و سنن خود را از سرزمین‌شان به ارمغان می‌آورند. این فرهنگ و سنن جدیدالورود خواه‌ناخواه

برخلاف علوم تجربی که در آزمایشگاه یا با مشاهده مورد بررسی قرار می‌گیرند، ما به بررسی تاریخ می‌پردازیم بدون این‌که بتوانیم حوادث را مستقیماً مشاهده کنیم. چرا که حوادث تاریخی دیگر در زمان ما وجود ندارند. کار تاریخ آوردن گذشته به زندگی امروز است. ما این را با پاره اطلاعات گونه‌گون سر هم می‌کنیم تا داستانی خلق شود و حوادث شکلی به خود گیرند. داستان‌های احتمالی بسیاری درباره‌ی همان حوادث هست و راویان یا مورخان نیز خوب و بد یا درست و نادرست دارند. بنابراین شاگرد خوب تاریخ می‌کوشد با پی‌گیری خود دریابد، که آیا راوی یک واقعه‌ی تاریخی با اسناد و مدرک محکم، روایت نموده است یا نه.

در میان مردم ما، تاریخ سیاسی بیشتر مورد توجه است، یعنی جنگ میان قدرت‌ها و داستان جنگ‌ها و صلح‌ها. اما تاریخ چیزی بیش از این است. هر چیزی که گذشته‌ای دارد تاریخ هم دارد. از آن جمله است، تاریخ فکر، عقیده، آزادی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری.

زمان در تاریخ

زمان با تاریخ نوعی پیوند دارد. می‌توان نظری به چندین حادثه انداخت که همگی

تاریخ نه تنها به‌عنوان درسی از درس‌های مدرسه مهم است بلکه در زندگی روزمره نیز مفید فایده به‌شمار می‌آید

لذت بردن (از دانستن) یکی از محرک‌های آموزش است



همه‌ی تاریخ‌های خوب براساس مدارک معتبر نوشته شده است. ضرورت دارد که بچه‌ها اهمیت مدارک را بدانند و در آن آموزش‌های لازم را ببینند و مهارت‌های تفکر انتقادی را جهت ارزیابی گزارشات تاریخی کسب کنند، تا بتوانند آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند تا بدانند که آیا فلان رویداد براساس مدارک متقن نوشته شده است یا نه و آیا می‌شود با اعتماد کامل بر آن نمود.

فعالیت‌هایی نه تنها به بچه‌ها کمک می‌کند که چگونه از ابزار منابع مهم کلیدی، حتی زمان استفاده کنند بلکه با کمک به آن‌ها، نقشه‌ی فکری جهان هم در ذهن آن‌ها شکل می‌گیرد؛ و به آن‌ها امکان می‌دهد که اطلاعات مربوط به دیگر افراد، مکان‌ها، زمان و حوادث را بهتر بفهمند و به خوبی تشخیص دهند.

چند نکته‌ی اساسی

عوامل اساسی تاریخ، عبارت است از ثبت وقایع، روایت و اسناد تاریخی.

الف) ثبت وقایع

تاریخ ثبت نوشتاری و ماندگار زمان گذشته است. در دوره‌های اخیر، تاریخ‌های ثبت شده بعضاً در قالب فیلم است. ممکن است شما به فرزند خود بگویید که به زمان‌های پیش از ما و خیلی دوری که حوادث ثبت شده، ماقبل تاریخ گفته می‌شود. زمانی که دایناسورها بودند. او باید بداند که قبل از اختراع خط یا زبان نوشتاری، بشر قصه‌گویی می‌کرده است تا هویت خود و حوادث مهم زندگی خود را حفظ کند. به هر حال، داستان‌ها جزئیات فراموش شده و یا تحریف شده را متناسب با موقعیت جدید تغییر داده است. زبان نوشتاری به بشر این امکان را داده است که بتواند اطلاعات را نسل به نسل دستمان دهد.

ب) روایت

روایت، داستان‌گویی است به روشی که مردم خود حوادث را تفسیر کنند. تاریخ با حقایق و مدارک خود تفسیرگر زمان گذشته است. بچه‌ها لازم است از حوادثی آگاه باشند که می‌تواند بیش از یک علت داشته باشند و یا نتایج بی‌شماری به وجود آورد. و این‌که با بیش از یک روش به بررسی روابط بین علت و معلول پردازیم.

ج) اسناد و مدارک

وقتی ما به نقشه روی می‌آوریم و با بچه‌ها درباره‌ی حوادث و رخداد‌های جهان و یا حوادث تاریخی به گفت‌وگو می‌پردازیم، خیلی چیزها را در مورد جغرافیا تعلیم داده‌ایم

در فرهنگ آن منطقه تنیده می‌شود؛ و تنوع سیستم نظام حکومتی آن منطقه را رقم می‌زند.

جغرافیا و تاریخ

جغرافیا بر تاریخ تأثیرگذار است. حکومت‌ها دگرگون می‌شوند و کشورهای جدیدی به عرصه می‌آیند. بسیاری از کشورها نام قبلی خود را از دست می‌دهند. تغییرات جوی و آب‌وهوایی، حوادثی هم‌چون خشک‌سالی یا وقوع سیلاب‌های ویرانگر را به وجود می‌آورند که باعث وارد آمدن زیان‌های سنگین بر زندگی مردم و مهاجرت آن‌ها از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر برای یافتن محل امن می‌گردد. تغییرات حکومتی می‌تواند تغییر کلی تاریخ جامعه و یا ناحیه‌ای را محقق سازد.

بچه‌ها علاقه‌ی ذاتی به جغرافیا دارند. گروه بچه‌هایی را بنگرید که در شن و ماسه بازی می‌کنند. یکی خیابان و دیگری خانه می‌سازد. اگرچه شاید آن‌ها درک صحیح علمی از این کار خود نداشته باشند؛ ولی در ضمن این بازی ویژگی‌های اصلی جغرافیا را فرامی‌گیرند. وقتی ما به نقشه روی می‌آوریم و با بچه‌ها درباره‌ی حوادث و رخداد‌های جهان و یا حوادث تاریخی به گفت‌وگو می‌پردازیم، خیلی چیزها را در مورد جغرافیا تعلیم داده‌ایم. این چنین



پی‌نوشت

* این نوشتار برگرفته از نشریه کمک‌آموزشی تاریخ [برای بچه‌ها] است و چاپ مجدد آن در سال ۲۰۰۴ واشنگتن دی.سی. حاصل کار گروه آموزشی تاریخ ایالات متحده است.